



سردبیر: بها لیلی

شماره ۱۰، آذر ۱۳۹۷

نشریه سازمان پناهندگان ایرانی - بیمرز

**عروج سیاست های ضد پناهندگی و ضرورت اتخاذ**

سیاستی واحد

صفحه ۳

هیرش مجیدنیا

**انتخابات و چند دهه دروغ**

صفحه ۴

محسن محمدی

**مضحکه ای که انتخابات نامیدن**

صفحه ۴

محمد صالحی

**پناهندگی رویایی آن سوی مرزها**

صفحه ۵

پردل زارع

**انتخابات**

صفحه ۵

حامد محمدیان

**سیستمی به نام مرگ ( جمهوری اسلامی و**

اعدام)

صفحه ۶

لقمان شاه میرزائی

**نه به تروریسم در استکهلم****دستانی برای مرگ بیمرزها**

بها لیلی



با یک نگاه کلی به وضعیت موجود اروپای غربی از مجارستان گرفته تا لهستان و دیگر دول اروپایی به شدت در حال حرکت به سمت شکل های راست و فاشیستی هستند. میان این بی برنامهگی جهان خصوصا در میان احزاب چپ موجود، در طول دو سال اخیر پناهندگان زیادی در مسیر دست یابی به مکانی امن جان خود را از دست داده اند که می توان از غرق شدن در دریا تا کشتن و به بردگی بردن توسط دول سرمایه دار و نژادپرست غربی اشاره کرد. در چند روز اخیر ما شاهد حمله مرگ بار چندین نفر به یک پناهجوی کرد ایرانی در بریتانیا بودیم که باعث شکستن جمجمه وی و همچنین جراحات سنگین شده است. هر روزه ما شاهد غرق شدن تعداد زیادی از پناهندگانی که از مسیر مدیترانه عبور می کنند هستیم. این در حالی است که دول اروپایی مرزهای خود را کاملا بسته و شاهد گیرافتادن بسیاری از پناهندگان پشت درهای این قاره به اصطلاح امن هستیم. در مجارستان از یک سری شکارچی قدیمی برای کنترل مرزها استفاده می کنند، که در صورت عبور پناهنده از مرز با آنها همانند یک شکار رفتار می کنند. بایستی این نکته را در نظر گرفت که در این رقابت

## دستانی برای مرگ بيمرزها

بها لیلی



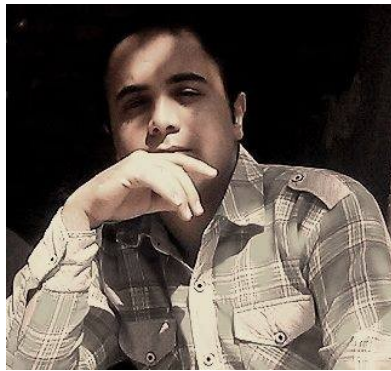
کشتن بيمرزها، دول مبدا و مقصد در رقابتي تنگاتنگ با هم قرار دارند و هر روزه بر تعداد اين قربانيان مي افزايند. اين در حالي است که با توجه به عبور بسياري از پناهندگان از اين مسير سخت به اجبار به بردگي در قسمت هاي مختلف کاري اين کشورهاي به اصطلاح متمدن مي شوند.

مناطق مختلفی از خاورميانه و آفريقا دچار بحران هاي زيادي شده اند که باعث آوارگي ساکنان آن شده است. در اين بحران ها بسياري از دول منطقه اي و فرامنطقه اي دخالت مستقيم و غير مستقیمی را دارند. از مناطق بسيار بحراني که باعث کشتار و آوارگي بخش اعظمی از ساکنان آن شده است مي توان به سوريه اشاره کرد. در اين ميدان رقابت برای کشتار انسان، کشورهای مختلفی از جمله ايران، ترکيه و عربستان دخالت مستقیمی دارند که باعث آوارگي و کشتار بخش اعظمی از ساکنان اين کشور شده اند. اين در کنار سياست هاي کثيف خود در کشورهای خويش است که فرار عده اي از مردم را در بر داشته است. که مي توان به اقدامات اخير دولت ترکيه، ايران و عراق در کشورهای خويش اشاره کرد. که فشارهاي سياسي و اقتصادي اين دول باعث آوارگي اين بخش اعظمی از ساکنان خود شده است. که به نام دين و سياست حکمراني خويش، بسياري را مجبور به فرارهاي اجباري مي کنند فراري که در نهايت يا مرگ و يا به بردگي رفتن توسط صاحبان کار در کشورهای متمدن را نصيب آنها مي کند. در بحران هاي منطقه خاورميانه و آفريقا کشورهای فرامنطقه اي همچون روسيه و آمريکا هم در افزايش اين تنشهاي منطقه اي تأثير مستقيم و زيادي داشته، که در اين کشتار و آوارگان سهم عمده اي را داشته اند. که تماما در جهت منافع خويش است.

از فاکتورهاي بسيار حائز اهميت رشد راست

گرایی در کشورهای اروپایی است که از عوامل اصلی آن قدرت یابی راست های غربی، و از کارافتادن احزاب سنتی در کشورهای مختلف است که دیگر مانند گذشته نمی توانند کارایی قابل توجهی در جذب مخاطب، تحقق اهداف و برآورده سازی مطالبات عمومی در کشورهای به اصطلاح دموکراتیک از خود به نمایش بگذارند و آنچه ذایقه سیاسی مردمان خود را تامین کند. پوپولیسم راست و افراطی از این شرایط بهترین استفاده ممکن را از نارضایتی مردم کرده است. تمامی این شرایط در حالی است که علت های گسترده دیگری نیز در خروش راست های غربی در این جوامع دخالت دارد. اما هرچه که هست این واقعیت را باید در نظر داشت که رویکرد پوپولیستی که از سوی راست گرایان اروپایی به جان مردم افتاده، در راستای این اهداف، پوپولیست های امروزی همه گی همانند فلسفه وجودی ناتو به وجود دشمن نیازمندند. دشمنی که می تواند یک مهاجر بيمرز غریبه باشد. در چنین شرایطی است که بدبینی توده مردم باید تحریک شود و بیگانه گان را برهم زننده گان آرامش و آسایش زنده گی خود قلمداد کنند. در چنین شرایطی، دولت ها در معرض ضربات مادی و گفتمانی عوام گرایان قرار می گیرند و تصویری منفعل، بی اراده و بی تفاوت به خواسته های مردم از آنها به نمایش گذاشته می شود که همین امر به قطب بندی های عمیق میان دولت و ملت می انجامد.

در افکار احزاب و گروه های اروپایی نوعی عوام گرایی و افکار برتری طلبی در تمامی سطوح دیده می شود که با تاکید بر قومیت، زبان یا نژاد خود، شکلی از غرور ملی را ایجاد می کند که موجب تقویت بیگانه ستیزی شدید در توده های مردم می شود. این چنین است که راست غربی توانسته پهنه گسترده خود را در بیشتر کشورهای اروپایی بکشد و با تقویت یک دیگر اتحادی نگران کننده میان خود ایجاد کند. پس در شرایطی که لوپن در فرانسه خود را آماده رویارویی در کارزار انتخاباتی می کند و بریتانیا در



حال جدایی از اتحادیه اروپاست و مرکل هر روز اصابت تیرهای تیز فاشیست های مدرن را بر پیکره دولت خود می بیند، چه اتفاقی بهتر از انتخاب عوام گرایی همچون ترامپ؟ انتخابی که تیغ برنده راست افراطی را بیش از پیش خطرناک کرده و بی شک جهان را در انتظار سونامی ویرانگری باقی خواهد گذاشت که احتمال سرانجام روشنی در فردای آن نمی رود. جهان در بی برنامه گی بسر می برد و ناپیستی احزاب چپ را که برنامه ای مشخص ندارند را کم مقصر دانست اما ناپیستی تمام گناهان را به گردن چپ های موجود در اروپا دانست زیرا بررسی موضوع را از دیگر واقعیت های موجود دور می کند. ناپیستی این گفته مایه تعجب باشد که در چند سال اخیر پناهنده کشی با این وضعیت در اروپا آغاز می شود. که این برگرفته از تفکر دیگری است که در محلات از جانب راست افراطی است. آیا با این توصیفات آینده ای روشن در انتظار نخواهد بود. و ما بایستی شاهد این عواقب وخیم باشیم. با این وجود میشل لوی فیلسوف سیاسی فرانسوی که راست گرایی نوین جهان غرب را نوعی طاعون قهوه ای می داند، معتقد است " برای درمان این بیماری مسری نسخه ای وجود ندارد و تنها می توان خطر آن را کم کرد و تنها با اتحاد می توان از شدت آن کاهش داد. باید در این حرکت دست به دست یکدیگر دهند تا دنیای غرب از این وضعیت بد سرانجامی که انتظارش را می کشد، کمی بیشتر فاصله بگیرد. پس با این شرایط ما می توانیم فقط کمی فاصله بگیریم.

## عروج سیاست های ضد پناهندگی و

## ضرورت اتخاذ سیاستی واحد

هیرش مجیدنیا



در سالهای اخیر مقوله پناهجویی و کوچ اجباری و آوارگی میلیونی مردمی که از جغرافیای جنگ، خشونت و کشتار به امید رسیدن به مکانی بظاهر امن انواع مشقات و سختی ها را متحمل شده اند، برای بشریت امروزی پدیده ای شناخته شده و قابل لمس میباشد. میدیای بورژوازی بخشاء با تعقیب سیاستهای مشخص سرمایه داری عملا بصورت هدایت شده و هدفمند این اخبار و روایات خود را روزانه در قالب اخبار بظاهر بی طرفانه بخورد مخاطبینش در سطح جهان میدهد. واکنش طبقه بورژوازی و متحدین اش در ریشه یابی و تحلیل این قضیه قابل بررسی و تامل جدی است. خزیدن کلیت سیستم سرمایه داری به دفاع از پناهجویان و انسانهایی که مشخصا و بصورت مستقیم بخاطر میلیتاریسم و هژمونی طلبی و تقسیم مجدد جهان در حوزه سود سرمایه، عملا گوشت دم توپ این سیاستها و نمایندگان شان در خاورمیانه شده اند، یکی دیگر از فریبها و پروپاگندههای نخ نمای نظام بورژوازی در سطح جهان امروز میباشد. سیاست دوفاکتو و کج دار و مریزی که عامدا جای قربانی و جلاد را همواره عوض کرده است. اما موضع و نگرش بشریت مشاهده گر این مصائب انسانها خارج از زاویه آشکار سیستم سرمایه داری به این قضایا با سناریو و روایت سیاه بر سفید و تکراری گردونه حاکمان سود، قدرت و پول پرستی و اقلت توده مردم با این روایتها کاملا تفاوت دارد. ریشه واقعی این آوارگی ها و جنگها و نفرت قومی و مذهبی در بختک سود پرستی و انباشت سرمایه داری نهفته است که اتفاقا گروه ها و دسته جات باند سیاهی و مذهبی را برای دامن زدن بیشتر به بحران و جنگ در آن مناطق تقویت میکند. گروه ها و باندهای ریزودرشت اسلامی و ضد بشری که

زندگی را به کام مردم تلخ کرده اند. پس از موج آوارگی و کوچ اجباری میلیونی ساکنان این کشورهای جنگ زده به کشورهای اروپایی، همین سیستم به یاری تبلیغات میدیایی و شستشوی افکار سعی کرد وجهه انسان دوستانه ای بخود در قالب پدیده ای به اسم موج پناهجویی که خود خالق و بوجود آورنده آن از طریق ناتو و هم پیمانانش و رژیم های مرتجع منطقه خاورمیانه و مشخصا ایران، سوریه، ترکیه و روسیه در آنجا بود بدهد، و این تصویر خود ساخته و مجعول را به جامعه جهانی حقنه کند. در واقع سیستم بورژوازی جهانی با بهره گیری از این پیش فرض ها و مقوله پناهجویی سعی کرد اهداف مشخص و استراتژیک خود که همواره به سود و انباشت سرمایه بورژوازی گره خورده است را تعقیب کند. تمامی ناکامی ها، بی حقوقی مردم و فقر و نابرابری موجود در کشورهای اروپایی را یکباره بورژوازی بصورت مشخص بر دوش موج عظیم پناهجویانی انداخت که ظاهرا یک شبه میهمان ناخوانده خوان سرمایه شده بودند. و لابد تمامی معضلات و بی حقوقی طبقه کارگر اروپا را بایستی در متن هجمه و روی آوری میلیونی انسانهای نگون بختی که خود قربانی همین سیاستهای سرمایه داری هستند را یکباره انداخت. عروج راسیسم و سربرآوردن مقولاتی مانند: "اسلام فوبیا" و تکرار تئوری منسوخ و مهوع "نسبیت فرهنگی" که ترجمه واقعی اش در قاموس سودپرستی سرمایه اسلام پناهی و تقدیس خرافه و مذهب معنا می یابد از دالانها و پستوهای نمود افکار بورژوازی به یکباره رو به جامعه اتوماتیک وار پمپاژ میشود. این دست آویزهای سیستم های مرتجع سرمایه محملی شد برای بیان نفرت و قوم پرستی و راسیسم و نژادپرستی برای گروه ها و دسته جات تابع سیستم که مترصد چنین فرصت هایی هستند، تا مشروعیت نداشته و جایگاه طبقاتی خود را با دستاویزهای جدید به جامعه و مخاطبین شان اثبات کنند. در این میان افکار و عقاید بشدت پوسیده ناسیونالیستی و مذهبی در میان خیل پناهجویان در تعامل با هیولای مذهب

و سرمایه و راسیسم غیر خودی تقویت میشود. تا جایی که عملا گروه های اسلامی و تفکرات اسلامی که خود عامل اساسی فقر، محرومیت، خشونت و آوارگی میلیونی همان مردم هستند این بار بصورت ناجی و مفری قابل اتکا و در دسترس برای هویت و قومیت و مذهبی باشند که شدیدا بعنوان هویت تصنعی پناهجویان بخورد مردم جهان داده میشود. هویت کاذبی که از هر سو تقدیس و تقویت میشود و میان پناهجویان فاصله می اندازد. تقسیم ها و تعاریف گیت گونه و بشدت مذهب زده ای که پناهجویان را به گروه های افغانی، عرب، کرد و ایرانی تقسیم میکنند و انسانیت آنها را در لوای این تعاریف و کلیشه های قوم پرستانه خدشه دار کرده و راه را برای نزاع های مهوع و نژادپرستانه باز میکند. تصویر قابل هضم و مقبولی که اتفاقا سرمایه و مذهب عامدانه میخواهند از قربانیان سیستم شان به بیرون ارائه دهند، و لابی گری، میلیتاریسم و جنون پول و قدرت را از پس پشت جنگ، کشتار و وحشت کودکان با تقویت جریانات و دولتهای مافوق ارتجاعی اسلامی مستتر نمایند، ظاهرا با سناریوی سرمایه و مذهب جور در می آید. اما در این میان سیاست واحدی که در تقابل با این تصویر سیاه و وحشتناک در مقابل بشریت امروز قرار دارد، مبارزه متحدانه و سازمان یافته با هیولای جنگ و کشتار و سودپرستی است. پناهجویان هم بایستی با تکیه بر اتحاد و خود سازمان دهی حول سیاستهای انسانی دفاع از حق پناهجویی از کرامت و حرمت انسانی شان دفاع کنند. و بر مبنای سیاستی اصولی و درست در دفاع از حقوق پایه ای و خواستها و مطالبات بر حق شان خود را متشکل و سازمان یافته کنند.

## انتخابات و چند دهه دروغ

محسن محمدی



در طی این چند دهه شاهد چندین بار انتخابات فرمالیته و نمایشی در رژیم اسلامی ایران بوده ایم که هر کدام از کاندیدها با دروغ ریاکاری و قول های دروغین سمت رئیس جمهوری را از آن خود کرده و با وعده وعید های دروغین مردم را به رای دادن تشویق کرده اند. که باز هم حکومت دیکتاتوریشان را با بنیاد دروغین لغزنده تر و پوچ تر می کنند.

شاید پدران ما محتوای جمهوری اسلامی را خوب نمی شناختند و با احتمال این که با وعده های دروغین سر آنها را گرم می کردند و به پای صندوق های رای می کشانند. امروزه که ما جوان ها رژیم فاسد اسلامی را به خوبی شناخته و میشناسیم و با ظلم هایی که از طرف حکومت بر ما متحمل شده است دست و پنجه نرم کرده و میکنیم. باید با عظمی راسخ به انتخابات نمایشی و دروغینشان یک (نه) بزرگ بگوییم. جمهوری فاسد اسلامی میخواهد تمام جامعه را رو به یک نابودی بزرگ بکشاند ما نباید حاضر شویم که ماراهم با خود به این تباهی بکشاند، ایران به یک (نه) بزرگ و هم صدا احتیاج دارد. پدران ما این نه را به ما بدهکارند و ما هم به آیندگان بدهکار هستیم.

سیستم ناکارآمد تمام دستگاه های رژیم کاری کرده است که درصد زیادی از مردم ایران در شرایط اسف بار و بدون هیچ امکاناتی زندگی کنند. من به جرات میتوانم بگویم که بیش از نیمی از مردم ایران در زیر خط فقر زندگی می کنند و طی این چند دهه هر کدام از کسانی که سمت ریاست جمهوری را صاحب شده اند هیچ تغییری جز اضافه کردن به بدبختی ها و فلاکت های مردم نداشته اند و شرایط زندگی انسان ها روز به روز بد و بدتر می شود.

آن ها میخواهند با شعار هایی از قبیل (انتخابات سرمایه گذاری عظیم ملت ایران است) مثل این که شما سرمایه ی سنگینی در بانک میگذارید و بانک با سرمایه شما کار کرده و شما سودش را خواهید برد. در واقع میخواهند با این شعار های بی معنا کلاهی دیگر بر سر مردم بگذارند.

انتخابات در ایران یک حرکت کاملاً نمایشی است، ما باید برای رفتن و آگاه سازی مردم به پای صندوق های رای تلاش زیادی بکنیم. در زمان ریاست جمهوری در دوره های قبل هم دغل کاری های زیادی انجام شد درست همانند دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد بسیاری از تحلیل گران پرده از جریاناتی مثل دستکاری آرا به نفع احمدی نژاد و خیلی تقلب های دیگر برداشتند. در دوره اخیر هم که حسن روحانی آخوند، صندلی ریاست را از آن خود کرد، باز هم مردم را فریب دادند

اما این بار با شعار های که دل مردم را خوش کرد روحانی تیر خود را به هدف زد. اما این بار همه با هم و هم صدا یک (نه) بزرگ میگوییم و به رژیم جهل و خرافه اسلامی، ثابت میکنیم که ما دیگر نه فریب شعار هایشان در این سیستم برده داری نخواهیم خورد.

به امید آزادی مردم و به امید زندگی بهتر برای آیندگان.

یک بار دیگر باهم همصدا بگوییم نه به انتخابات

## مضحکه ای که انتخابات نامیدن

محمد صالحی



مضحکه ای به نام انتخابات در ایران، با برگزاری سیستم سران جمهوری سرمایه داری در ایران هر دوره چهار ساله در ایران که می گذرد، مضحکه ای به نام انتخابات در ایران توسط جمهوری سرمایه داری حاکم برگزار می شود. آیا چه انتخاباتی؟ تا کی این مضحکه به نام انتخابات؟

در سیستم حکومتی که در صدر آن کسی به نام رهبر و ولایت فقیه قرار دارد. حق وتوی کل مصوباتی را دارا باشد که در قوای

تشریفاتی به تصویب رسیده است. دیگر چه انتخاباتی است به غیر از فریب مردم آنهم به شیوه جمهوری اسلامی؟ در زیر مجموعه این سیستم به اسم ولایت فقیه آیا انتخابات می تواند معنی داشته باشد؟ قطعاً جواب همه نخیر است.

ما و تاریخ معاصر در هر دوره انتخاباتی، یک سال مانده به انتخابات میبینیم که سیستم جمهوری اسلامی جریاناتی به اسم احزاب را معرفی می کند. تا بتواند باز هم سر مردم را شیره بمالد. به امید وضعیتی بهتر برای زندگی مردم در کشور مردم را تشویق به رأی دادن می کند.

هر دوره با ترفند و روشهای خاص مانع از هجوم مردم برای پایان دادن به عمر کثیفشان شده اند. در دورانی به نام دوران اصلاحات و تغییر و گفتگوی تمدنها، توسط محمد خاتمی معرفی شد و توانستند در انتظار عمومی انتخابات را باشکوه جلوه بدهند. ولی در عمل آنچه را می باید دید، دیدیم؟ بله باز هم همان آش و کاسه قدیمی که رژیم برای ابقاء حکومت دیکتاتوری خود راه انداخته بود. این سیستم حکمرانی همان دیکتاتوری به روش و شیوه اسلامی است. به واسطه آن هشت سال عمر کثیفشان را بالا ببرند و در دوران ریاست فرمایشیون حادثه گوی دانشگاه را راه انداختند و برای سرکوب دانشجویان و آزاد خواهان و برابری طلبان از تمام شیوه های سرکوب استفاده کردند. قتلگه راه انداختند و مردم را در اوج بی رحمی کشتند و زندانی کردند. تا مردم بترسند و دست از برابری طلبی و حصول مطالباتش دست بردارند و عقب کشی از حق و حقوق مسلم خودشان دست برداند.

و دوره دیگری آرسری فرمولهای ابقاء دیکتاتوری را شروع کردند. به اسم مناظره های تلویزیونی که دیدیم همه کارهاشون رسوا کردند. باز هم برای جذب مردم برای انتخابات که نتیجه اش احمدی نژاد بود. و در دور دوم مردمی که آمدن و گفتند که رأی ما کجا رفت. جوابشان سرکوب و کشتار و زندانهای کهریزک و لقب خس و خاشاک و اراذل و آوباش شد. آنها همان کسانی بودند که رأی داده بودند و دنبال نتیجه رأیون رو گرفته بودند. انتخاباتی به اسم شوارهای شهر و روستا رو راه انداخته اند که فقط بدبختی و فلاکت برای و اختلاس، که نتیجه آن را در پایتخت و شهرهای کوچک و بزرگ دیگر دیده ایم.



## پناهندگی رویایی آن سوی مرزها

## پردل زارع



پناهندگی به کشورهای اروپای و آمریکای در سالهای اخیر رو به افزایش بوده است، برای خیلی از انسانها پناهندگی تبدیل به یک مد در عرصه مهاجرت شده است و برای افراد سودجو قاچاق انسان، تبدیل به سود عظیم باد آورده ای شده است. تا چند سال گذشته تعداد پناهجویانی که از کشورهای آسیایی و آفریقای که به اروپا می آمدند سالانه به بیش از چند هزار نفر نمیرسید، اما روند پناهنده پذیری در یکی دو سال گذشته با وجود جنگهای قومی، مذهبی و نژادی در کشورهای عمدتاً اسلام زده با ورود بیش از حد پناهجویان کاملاً عوض شده است، و موجب تغییراتی در قوانین پناهنده پذیری در کشورهای اروپای و آمریکا شده است. همانند تصمیم ترامپ برای ساخت دیوار هفت متری که در مرز آمریکا و مکزیک صادر کرده است تا با این روش از ورود پناهجویان نیازمند به کمک، به صورت قاچاقی جلوگیری کند. این تصمیم ترامپ به دنبال تصمیمات سال گذشته کشورهای اروپای در زمینه قوانین مهاجرتی بود که با صادر کردن قوانین جدید مهاجرتی و سخت تر کردن قوانین پناهنده پذیری روند پناهنده پذیری را در کشورهای اروپای تغییر دادند. قوانین حقوق بشری و انسان دوستانه که در چند سال گذشته جای خود را به افکار ناسیونالیستی وطنی داده اند اکنون در حال تغییر هستند و مصلحت اقتصادی جان هزاران نفر را گرفته است. گسترش جنگ های قومی مذهبی در خاورمیانه، دشوار شدن زندگی در این کشورها، مداخله نظامی ناتو، بسته شدن دوره ای مرزهای حوزه شینگن، بر روی کار آمدن ترامپ،

بستن مرزهای آمریکا به روی پناهجویان و خروج انگلیس از اتحادیه اروپا همگی اینها نشانه های فوبیا ورود پناهجویان به اروپا، آمریکا و ناسیونالیسم وطنی است که در حال گسترش در اروپا و آمریکا است، همگی این نشانه های عظیم ما را برای اتحاد و درست کردن جامعه ای سوسیالیستی بیشتر می کند. بسیاری از پناهجویانی به دلیل شرایط سخت زندگی دچار مشکلات فراوان روحی و روانی شده اند. در خاورمیانه جنگ و دیکتاتوری اسلامی بزرگترین دلیل برای فرار از زندگی و خانواده است، جنگهای که با پشتیبانی مالی و فروش تسلیحاتی کشورهای خارجی از ملیشاهای مسلح اسلامی که دنبال به دست آوردن سود و سرمایه به قیمت قربانی و آواره شدن مردم ستم دیده هستند شده است. در این میان زنان برای تجارت سکس و کودکان برای درست کردن ارتش در دستان گروه های تروریستی اسلامی، این مزدوران گوش به فرمان سرمایه داری قرار گرفته اند و قربانی این جنگها شده اند. یک فردای آرام و تغییر در روند زندگی را انسانها تنها با نبودن نیروهای فاشیست و جنگ طلب و همبستگی و اتحاد نیروهای سوسیالیست و آزادیخواه و برابری طلب میتوانند تجربه کنند. به امید رهایی بشر از هر نوع قید و بندگی، استثمار و به امید اینکه همه مردم جهان در آرامش و صلح زندگی کنند و دیگر نه جنگی وجود داشته باشد و نه کسی مجبور به مهاجرت و فرار از وطن خود شود.

## انتخابات

## حامد محمدیان



نمودی بر تعین راه و روشی بهتر و صادقانه برای یک زندگی آرامتر از گذشته، اما این تعریف تنها مشمول حکومتهای مردم سالار بوده و تناقضی شدید در سیستمها و حکومتهایی فاشیست و ضد انسانی (که از ناشنایته استاندارد آن تعریف تنها چون ابزاری برای بیشتر به بردهکشاندن بهره های انسانی در راستای اهداف ظالمانه خود برای توجیه و سرپوش هرچه بیشتر جنایتهاشان بهره یافتند) و ملت نیز موجب تغذیه ای این فاشیسم در طول تاریخ است. که حکومت کهنه پرست و جهل اعدای جمهوری اسلامی یکی از بزرگان این سیستم فاشیستی و ضد بشری نه تنها در منطقه بلکه در کل جهان بشمار می آید. برای درک و صحت این مهم نیازی به فوکوسی انسانیت را ارتجاعی طولانی به درازای عمر منفور و پر از جنایت این حکومت اعدای به تاملی آزاد منشانه تر نیازمندیم. تا با ساختن تصویری روشنتر از، سی وهشت سال سواستفاده از اعتماد چندین ملت و سی وهشت سال خون و جنایت، اعدام و اعدام و اعدام، نابرابری و سنگسار، خفقان و مظلومیت، تنفر و کینه، وحشت و ترس، استرس و دروغ، دزدی و غارت و گرسنگی و جنایت، بردگی و حقارت، فقر و فحشا، ناباوری و بی ارادگی، کودکان کار و افزایش اپارتایت جنسی، به هویتی ملیتها





می شدند افرادی بودند که ماهیت این دولت بروی کار آمده را می دانستند و تحمل بردگی و ظلم و ستم را نداشتند. طبیعی است که نمی توان با نوشتن چند پاراگراف از ماهیت این دولت سخن گفت چون این دولت خونخوار برای بقای خودت از کشتن و اعدام و شکنجه و زندان دریغ نکرده و این همان نظام دینی و مذهبی است که با نام خدا و دین مردم را در خفقان قرار داده و سرکوب مردم جزئی از واجبات دین تلقی می شود. عده ای را بخاطر اعتقادات و باورهای مذهبی اعدام می کند و عده ای را بخاطر بی دین بودن مردم این مرز و بوم نمیدانند که دیندار باشند یا بی دین، افرادی را بخاطر پذیرفتن دین بهاییست دستگیر و اعدام می کنند. دینی که از دیدگاه نظام و اسلام قابل قبول نیست. دینی که شریعت اسلام ندارد. افرادی که این را پذیرفتن در عرصه ایران نادیده گرفته می شوند و سذکوب کردن آنها یکی از واجبات دین تلقی می شود. دینی که از نظر علمای شیعه ناپاک و نجس خوانده شد است. ایران کشوری با مردمانی از رنگ و پوست متفاوت است. کشوری که مذاهب و ادیان مختلفی را در خود جای داده است. مردمانی با دین بهایی، مسیحی، یارسان، اهل سنت، کلیمی، زردتشتی و غیره می باشد. که این ادیان نشان دهنده فرهنگ و قدمت این مرزوبوم را می رساند. اما متأسفانه این دولت بظاهر جمهوری دست به هرکاری زده برای خفقان این ادیان و برای بی هویت کردن این ادیان و این بی عدالتیها فقط برای پایداری و پابرجای نظام است نظامی که اعدام و شکنجه را سرلوحه کار خود قرار داده است.

وضعیتی که قانون اساسی، قوانین موضوعه و آئین دادرسی مطابق با قانون مجازات اسلامی نقض می شود. حقوق متهمان مطابق با همین قوانین نادیده گرفته می شود و بسیاری از متهمان حق دسترسی به وکیل و حق دفاع از خود ندارند. حق خواندن پرونده خود را ندارند. نمیتوان به احکام صادره این دادگاهها اعتماد داشت و می توان به صراحت بیان کرد که خود قوه قضائی جمهوری اسلامی بزرگترین ناقض قانون و انصاف در کشور می باشد.

مقاومت و ایثارگری انسانهای آزادی که خواستار صلح و آشتی هستند. اثبات گر آن است که زندان و شکنجه و اعدام جوانان انقلابی و مبارزان راه تحقیق دموکراسی راستین در ایران نه تنها روح بیداری و عطش مبارزه در راستای آزاد زیستن را از میان نخواهد برد بلکه ادراک و ایمان به مبارزه در برابر نظام های خونخوار جهل بنیاد و فاشیست که نمونه بارز آن در ساختار فکری و سیاسی جمهوری اسلامی رقم خورده است را پیش از پیش عمق و غنا بخشیده است. نظام خونخوار و فاسد جمهوری اسلامی در طی سالیان سردمداری خود مرکب جنایات و خشونت هایی بر علیه انسانهای آزادیخواهی شده است که سرپوش گذاشتن بر آن نمیتواند کارنامه سیاه نظام را در افکار عمومی جامعه و کشورهای حامی حقوق بشر پاک کرد. نظامی که برای پابرجا ماندن خود در عرصه سیاست خارجی و داخلی از هیچگونه اعمال خشن و ضد بشر پرهیز نکرده و بخاطر ماندن در عرصه قدرت دست به اعدامهای وسیعی زده است. که می توان به تمامی آمارهای اعدامی که از اول روی کار آمدن این نظام فاشیست تا به امروز اشاره کرد. اعدامهای که از قلب پایتخت شروع به کار کرد تا به نواحی مرزی ایران کشیده شد. با کشتار مردم بی دفاع، اعدام انسانهای آزادیخواه، منتقدان رژیم، احزاب و تودهها و حمله به نواحی مرزی غرب کشور برای سرکوب افرادی که از دیدگاه نظام یاغی و ضد آرمانهای انقلاب اسلامی بودند. همین انسانهای آزادیخواه که به ظاهر برای نظام خطر محسوب

و افزایش تبعیضها، تشدیدت حیوان آزاری، نابودی محیط زیست، بدبختی و اندوه، ناامنی، دشمنی و کینه بجای عشق، دوستی، انسانیت و هزازان درد بی درمان دیگر ( ساخته ماشین ضد بشری حکومت اعدامی ایران ) هستیم.

این بار بیائیم آگاهانه تر از همیشه وظیفه انسانی خود را در راستای این حقانیت خفته سی و چند ساله مشخص سازیم. بیایید با بیداری و آگاهی هرچه بیشتر، قبل از برداشتن اولین قدمها برای تقدیم رای مان به وحشیگریهای بیشتر این رژیم خونخوار، درخصوص هرچه بیشتر خفه ساختن (آزادی) سهیم نباشیم.

## سیستمی به نام مرگ ( جمهوری

### اسلامی و اعدام )

### لقمان شاه میرزائی



متأسفانه طی سالهای گذشته افکار عمومی جامعه ایران به شدت نصبت به عدالت قوه قضائی ناامید و بی اعتماد شده اند. این بی اعتمادی ناشی از عملکرد غلط، ناعادلانه، گزینشی، جناحی و سیاسی قوه قضائی دادگاههای جمهوری اسلامی ایران است. وقتی که به شکایت مخالفان و منتقدان نظام علیه مسئولان نظام رسیدگی نمی شود. وقتی که به پرونده های مفاسد اقتصادی و اخلاقی مسئولان نظام رسیدگی نمی شود. اگر هم رسیدگی شود احکام صادره اجرا نخواهد شد و در مقابل برای منتقدان و مخالفان برای فعالان مطبوعاتی، مدنی، دانشجویی، سندیکاها و غیره پرونده های قطوری تشکیل و احکام سنگینی صادر می شود. وقتی که حکم را نه خود قاضی، بلکه بازجو و مقامات امنیتی انشاء و سپس به قاضی دیکته می کنند و قاضی دادگاه که نماینده خدا بحساب می آید. در دستگاههای قضات، نقش منشی ضابط خود را بازی می کند. چطور می توان به عدالت در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی باور داشت. طبیعی است که در چنین

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد  
 Iranska Flyktingars Riksorganisation - Sveriges sektion



### جلسات هفتگی سازمان بيمرز در روزهای

دوشنبه ساعت ۶ عصر برگزار می شود. از همه  
 پناهندگان و علاقمندان به فعالیت در این عرصه  
 دعوت می شود که در این جلسات شرکت کنید.

International Organisation of Iranian Refugees  
 سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بيمرز



تماس با سردبیر:

نشریه بيمرز، نشریه سازمان سراسری پناهندگان ایرانی است که در چهار چوب  
 اساسنامه آن عمل می کند و در تلاش است که مسایل و مشکلات پناهندگان و دلایل  
 خروج آنان از چنگال رژیم اسلامی را بررسی و مبارزه ای را برای رسیدن به  
 آزادی و برابری و سرنگونی جمهوری اسلامی ترتیب دهد.  
 برای ارسال مطالب خود به نشریه و همچنین ارائه نظرات و پیشنهادات خود با ایمیل  
 زیر در تماس باشید.

[bahaleili7@gmail.com](mailto:bahaleili7@gmail.com)

منتظر مقالات، نظرات و پیشنهادات شما هستیم.

تماس با واحدهای سازمان بيمرز

دبیر سراسری سازمان بيمرز

سعید آرمان

تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷

Adress: IOIR, BM BOX 2592,  
 London, WCIN 3XX, UK.

E-mail: saeed\_arman2002@yahoo.co.uk

دبیر واحد سراسری سوئد بيمرز

عباس رضایی

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۷۳۰۱۱۳۶

دبیر واحد استکهلم سازمان بيمرز

محمود محمد زاده

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۶۲۲۸۷۲۶

دبیر واحد گوتنبرگ

ابوبکر شریف زاده

تلفن: ۰۰۴۶۷۲۲۹۱۸۰۷۰

دبیر واحد شمال سوئد

محمد عابدیان

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۷۲۴۹۲۳۱